

واکاوی کاهش نقش تولیدی زنان روستایی (مطالعه موردی: شهرستان نیشابور)

فرحناز اکبرقلی^{۱*}

تاریخ پذیرش: ۲۰ خرداد ۱۳۹۸

تاریخ دریافت: ۲۳ بهمن ۱۳۹۷

چکیده

زنان نقش انکارناپذیر در فعالیتهای مختلف جوامع روستایی دارند. در واقع زنان در تمامی فعالیتهای مختلف نواحی روستایی حضور فعال داشته‌اند اما نقش تولیدی آنان در دهه‌های اخیر کم‌رنگ شده است. در برخی از مناطق روستایی ایران از جمله جامعه آماری این پژوهش یعنی روستاهای بخش زبرخان شهرستان نیشابور با کاهش نقش فعالیتهای تولیدی زنان به ویژه صنایع دستی مواجه شده است. هدف پژوهش حاضر، واکاوی کاهش سطح فعالیت و مشارکت زنان در تولید صنایع دستی روستاهای بخش زبرخان شهرستان نیشابور می‌باشد. بر این اساس ۱۱۱ نمونه به روش تصادفی از زنان شاغل به صنایع دستی در جامعه مورد مطالعه انتخاب و با آمار توصیفی و استنباطی مورد آزمون قرار گرفتند. در سطح استنباطی برای آزمون فرض‌ها از کلموگروف اسمیرنوف و T-Test تک نمونه‌ای و به‌منظور تعیین پایایی آزمون از روش آلفای کرونباخ استفاده گردید. نتایج آزمون پارامتری T تک نمونه‌ای نشان داد که صنایع دستی روستایی در متنوع‌سازی فعالیتهای اقتصادی و سطح فعالیت تولیدی و مشارکت زنان نقش دارد و کاهش نقش این صنایع در منطقه مورد مطالعه سبب کاهش درآمد خانوارهای روستایی و در نتیجه مهاجرت آنان شده است. برای مقابله با کاهش نقش صنایع دستی در منطقه پیشنهاد می‌گردد با آشنایی زنان روستایی با شیوه‌های نوین تولید، کاربردی کردن دانش زنان هنرمند روستایی و بالا بردن اعتبارات مربوط به آموزش و بیمه کردن صنعتگران زن روستایی موجب مشارکت بیشتر زنان روستایی در تولید گردد.

کلمات کلیدی: کاهش نقش تولیدی، زنان روستایی، شهرستان نیشابور

۱- استادیار جغرافیا و برنامه‌ریزی روستایی، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران
(* نویسنده مسئول: akbaroghli.f@pnurazavi.ac.ir)

مقدمه

زنان نیمی از جمعیت جامعه روستایی را تشکیل می‌دهند و این توانایی را دارا می‌باشند که بتوانند در تولید و اقتصاد جامعه حضور فعال و درخور توجهی را داشته باشند. اقتصاد خانوار روستایی به گونه‌ای است که پیوسته نیاز به حضور زنان در آن وجود دارد (برقی، ۱۳۹۵). لذا زنان روستایی بخشی از نیروی مولد جامعه روستایی را تشکیل می‌دهند و می‌توانند با فعالیت‌های خود به روند توسعه سرعت بخشند. از این رو توجه به نقش و مشارکت زنان در شرایط حاضر امری الزامی است (ابراهیمی، ۱۳۹۳). اما در حال حاضر در روستاهای بخش زبرخان شهرستان نیشابور کاهش نقش تولیدی زنان به ویژه در زمینه‌ی صنایع دستی مشاهده می‌گردد که مقاله حاضر به واکاوی این موضوع پرداخته است.

سازمان‌های بین‌المللی به منظور ارج نهادن به نیروی کار زنان روستایی و شناساندن خلاقیت‌ها و استعداد‌های آنان طی سه دهه اخیر تلاش‌های بسیاری نموده و کوشیده‌اند اقدامات حمایتی جهت مشارکت کامل آنان را در فرآیند توسعه فراهم آورند. در سال ۱۹۷۹ کنفرانس جهانی توسعه با شرکت ۱۴۵ نماینده از کشورهای مختلف در رم برگزار و ابعادی چون دسترسی به منابع و خدمات‌رسانی، آموزش، اشتغال و حمایت از تشکل‌های زنان مورد تاکید قرار گرفت. در کنفرانس جهانی حقوق بشر که در سال ۱۹۹۲ در وین برگزار شد شاخص جنسیت وارد مطالعات گردید و در سپتامبر سال ۱۹۹۵ با برگزاری چهارمین کنفرانس جهانی زن در پکن با شرکت ۱۸۹ کشور، توجه به مفهوم جنسیت و به کارگیری آن در پروژه‌ها و برنامه‌ها، ماهیت واقعی خود را باز یافت. هدف اصلی این برنامه عبارت بود از پشتیبانی از زنان روستایی به عنوان تولیدکنندگان و اولویت به آن‌ها در دسترسی به منابع تولید به خصوص تکنولوژی‌هایی که بتوانند از مشقت، حجم و میزان کار آنان بکاهد و بر بهره‌وری

آنها بیفزاید (رادمرد، ۱۳۸۱). گزارش بررسی جهانی سال ۱۹۸۴ میلادی نشان می‌دهد که تا پیش از این تاریخ، هیچ کشور کم توسعه‌یافته‌ای در برنامه توسعه بخش کشاورزی خود، زنان روستایی را در نظر نداشته است، ولی از سال ۱۹۸۵ میلادی تغییرات اساسی در این دسته از کشورها رخ داده است. سازمان خواروبار و کشاورزی در نود و چهارمین نشست خود در نوامبر ۱۹۸۸ برای حضور فعال زنان روستایی و مشارکت آنان در توسعه، یک برنامه کار طرح کرد و به کشورهای در حال توسعه، توصیه نمود. برخی از کشورها مانند برزیل، پرو و کاستاریکا با پشتیبانی‌های مالی FAO برنامه ملی برای زنان روستایی خود تهیه کرده‌اند (رادمرد، ۱۳۸۱).

در گزارش بررسی جهانی سال ۱۹۸۹ م. که اطلاعات دوره زمانی ۱۹۸۵ تا ۱۹۸۸ م. را ارائه نموده است، تغییر مهم دیگری نسبت به دوره قبل دیده می‌شود. قبل از سال‌های ۱۹۸۵ م.، کشورهای در حال توسعه‌ای که نسبت به مسایل زنان روستایی آگاهی داشته‌اند غالباً توجه خود را معطوف به پروژه‌های کوچک و خاص زنان کرده و درصدد فراهم آوردن رفاه بیشتر از طریق آموزش‌های خانه‌داری بوده‌اند. به عبارت روشن‌تر، پروژه‌های رفاهی بیشتر مورد نظر بوده است. در حالی که در دوره بعد از ۱۹۸۵ م. بحث از پروژه‌های توسعه‌ای است که هدف‌های بسیار فراتر از پروژه‌های رفاهی را دنبال می‌کنند و به جای طراحی پروژه‌های کوچک و غالباً پراکنده در جهت تأمین رفاه بیشتر، قرار گرفتن زنان روستایی در جریان اصلی توسعه در تمام سطوح و مراحل برنامه‌ریزی و اجرا، از سیاستگذاری‌های کلان تا فعالیت‌های گوناگون در پروژه‌های خود مورد توجه واقع شده است. در این تغییر جدید، انتظار می‌رود که زنان روستایی در سطح کلان و در متن سیاست‌ها و برنامه‌ها به صورت یک مجموعه واحد با مردان روستایی دیده شوند و در سطح خرد نیز زنان در تمامی فعالیت‌ها و پروژه‌های مختلف حضور فعال داشته

ندارند، به عهده زنان روستایی واگذار می‌شود (گروبر،^۳ ۲۰۰۵). این مسئولیت‌ها در شرایطی است که آنان وقت و انرژی فراوانی را صرف تولید و نگهداری فرزندان و خانه‌داری می‌کنند. با وجود همه این مشکلات، زنان شاغل در بخش کشاورزی با درآمد ناکافی از منزلت و موقعیت اجتماعی متناسب با نقش اجتماعی خود نیز برخوردار نیستند، در چنین شرایطی زنان، امکانات و ابزار لازم را برای تغییر وضع و بهبود فعالیت‌های اقتصادی و موقعیت اجتماعی خود ندارند (یاوری، ۱۳۹۰). از جمله راه‌های دسترسی به آموزش، کسب مهارت و تخصص‌ها به روی آنها بسته است. تشکیل سازمان‌های رسمی اقتصادی به وسیله آنها با مشکلات اجتماعی، فرهنگی و اداری بسیاری روبه‌رو می‌شود. به منابع مالی و اعتباری (دولتی و غیردولتی) به علت نداشتن وثیقه معتبر و به رسمیت نشناختن آنها به عنوان اعضای فعال اقتصادی جامعه به وسیله نهادهای سنتی و سازمان‌های رسمی اعتباری، کمتر دسترسی دارند و اگر هم داشته باشند، امکان هزینه کردن مستقل وام‌ها به ایشان داده نمی‌شود (تقوایی و شفیع، ۱۳۸۰). بسیاری از تحقیقات در زمینه اشتغال زنان و موقعیت اقتصادی و تولیدی آنان در جامعه روستایی به این نتیجه رسیده است که عوامل بنیانی و مؤثر در پیدایش مشکلات فوق‌الذکر در کشورهای در حال توسعه و حتی کشورهای صنعتی، بی‌توجهی به فعالیت‌های اقتصادی زنان به ویژه در جامعه روستایی و مطرح نشدن و عدم تعریف آنها در اسناد رسمی کشورها و برجای ماندن نگرش سنتی به کار آن‌ها، تسلط فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی مرد در جامعه و به خصوص در بخش روستایی و نقش فرعی و وابسته زنان، تبعیض در شرایط اشتغال و کار زن در جامعه که عمدتاً محصول تسلط مردان است و فرصت‌های اندک زنان برای تحصیل و کسب مهارت‌های جدید به علت اشتغال در خانه و عدم دسترسی کافی و لازم به نهادهاست (لهسایی‌زاده، ۱۳۷۴).

باشند. به طور کلی حمایت از زنان روستایی به عنوان تولیدکنندگان علاوه بر مادران و مدیران خانواده مورد نظر است. بدین ترتیب روش طراحی و اجرای پروژه‌های کوچک، ناپایدار، پراکنده و دورافتاده از برنامه اصلی توسعه کنار گذاشته شد و اعلام گردید که برنامه‌های توسعه با پروژه‌های خاص زنان و یا اختصاص بخشی از پروژه چند منظوره به زنان، در تحقق بهبود وضعیت زنان، موفقیت بسیار محدودی داشته است و باید زنان روستایی را همراه مردان در مجموعه برنامه‌های توسعه دید (بررسی وضعیت موجود زنان روستایی، ۱۳۹۰).

بر اساس مدارک و واقعیات موجود، زنان سهم عمده‌ای در فعالیت‌های اقتصادی و تولیدی کشورهای در حال توسعه دارند. در این کشورها حوزه فعالیت اقتصادی آن‌ها عمدتاً بخش غیر رسمی (سنتی) اقتصاد ملی است و به عنوان تولیدکنندگان جزء، فروشندگان کالا و یا کارگران خدماتی فعالیت می‌کنند (شادی طلب، ۱۳۷۴). این تقسیم‌بندی به ویژه در بخش کشاورزی مصداق روشن‌تری دارد. در عین حال دستمزد زنان برای کارهای مشابه بسیار کمتر از مردان است. به طوری که در اکثر کشورهای در حال توسعه زنان ۲۵ درصد بیشتر از مردان کار می‌کنند ولی حقوق آنها ۴۰ درصد کمتر از مردان است. همچنین هرم قدرت تصمیم‌گیری از سرپرست خانواده یعنی مردان به زن ختم می‌شود، یعنی مردان بیش‌ترین حق تصمیم‌گیری را دارند (ابراقلی و نوری، ۱۳۹۷). به نظر دنیز کاندیوتی^۱ کار در مقابل دستمزد در بخش رسمی اقتصاد، زمانی به زنان پیشنهاد می‌شود، که به خاطر دستمزد کمتر آنان، منافع کارفرما در استخدام زنان مشهود باشد (دیویس^۲، ۲۰۰۴). اگر چه اصولاً کار و تولید در بخش سنتی سخت و طاقت‌فرسا است ولی علاوه بر آن، کارهای سخت‌تری نظیر جمع‌آوری هیزم و نشاء برنج در شالیزارها و یا کشاورزی در مزارعی که در شرایط مناسبی قرار

1 - Deniz Kandiyoti

2 - Davis

مساله پژوهش حاضر توجه به کاهش نقش تولیدی زنان روستایی است. یکی از مهمترین فعالیت‌های زنان روستایی اشتغال در زمینه صنایع دستی می‌باشد و این صنایع اهمیت بالایی در خوداشتغالی زنان روستایی دارند. از نظر اقتصادی، کار در زمینه‌ی صنایع دستی نیاز به سرمایه‌گذاری چندانی نداشته و هر خانواده روستایی با هر میزان سرمایه‌ای می‌تواند در این زمینه مشغول باشد.

نقش صنایع دستی در ایجاد اشتغال زنان و کسب درآمد از ویژگی‌های اساسی صنایع دستی است. به گفته کارشناسان از دیرباز تاکنون صنایع دستی عامل ایجاد اشتغال جنبی و درآمد مکمل در مناطق روستایی بوده است (ازکیا، ۱۳۸۳). بدین جهت یکی از ابزارهای ایجاد اشتغال مولد و کاهش انواع بیکاری و کاهش مهاجرت به شهرها توجه به صنایع دستی است. به طوریکه یکی از اهرم‌های پر اهمیت در اشتغال‌زایی نواحی روستایی صنایع دستی است، اگر فرض شود که از هر سه نفر زن روستایی بالاتر از ده سال، یک نفر در طول سال به نوعی به کار تولید در یکی از ۱۳۳ رشته صنایع دستی اشتغال داشته باشد، می‌توان گفت در جامعه روستایی ایران جمعیتی معادل ۲/۶۵ میلیون نفر به صورت‌های مختلف اعم از دائمی، فصلی یا موقتی به کار تولید صنایع دستی مشغول هستند که اغلب بافنده فرش و گلیم می‌باشند (نادری، ۱۳۹۰). میزان تأثیرگذاری گردشگری و صنایع دستی بر یکدیگر به قدری است که می‌توان آن را ریشه در اقتصاد ملی دانست (غفاریان، ۱۳۸۴). تولید انواع صنایع دستی آن هم به صورت جالب و صادراتی باعث شناسایی بیشتر ایران در خارج شده است و جهانگردان بیشتری را روانه ایران می‌کند و هم جهانگردان آن را به ارزش خارجی خریداری می‌کنند و هم صادرات آن برای ما ارزش کافی ایجاد می‌کند. وقتی کودک گیوه‌ای که مادرش بافته یا لباسی که ساخته و پرداخته مادر است را برتن خود حس می‌کند این موضوع در تحکیم

رابطه صمیمی بین خانواده، یک نوع آموزش مستمر برای ایجاد تقویت روابط خانواده به حساب می‌آید. هر چقدر با استفاده از ساخت‌های دست‌آئییه منزل را تهیه شود، علاوه بر این که به اقتصاد خانواده کمک می‌شود از تحمل‌گرایی دور شده و قدمی به سوی انسجام بیشتر خانواده برداشته می‌شود (سپهر، ۱۳۸۶).

خوداشتغالی زنان روستایی از طریق گسترش و توسعه صنایع دستی در روستاها می‌تواند تا حد زیادی نقش زنان را ارتقا داده و شرایط مناسب‌تری را از لحاظ اجتماعی برای آنان فراهم نماید. اهم تأثیر اشتغال زنان روستایی در زمینه صنایع دستی شامل مواردی چون، افزایش بهره‌وری در تولیدات بخش کشاورزی و کاهش ضایعات، ارتقاء کیفیت تولیدات صنایع دستی در مناطق روستایی، انتقال ارزش افزوده بیشتر به مناطق روستایی و افزایش درآمد روستاییان، اشتغال بخش عمده‌ای از نیروهای فعال جامعه روستایی، اشاعه فرهنگ فنی و مهیا کردن زمینه لازم جهت دیگر برنامه‌های توسعه روستایی از جمله گردشگری می‌باشد (اکبرقلی، ۲۰۱۹).

با توجه به مسائل فوق برخی از مناطق روستایی ایران از جمله جامعه آماری این پژوهش یعنی روستاهای بخش زبرخان شهرستان نیشابور با کاهش نقش صنایع دستی و فعالیت‌های تولیدی زنان مواجه شده است. لذا پژوهش حاضر بر آن است تا رابطه نقش و کارکرد صنایع دستی روستایی با متنوع‌سازی فعالیت‌های اقتصادی، اشتغال‌زایی، افزایش درآمد و سطح فعالیت و مشارکت زنان را واکاوی نماید.

مهمترین صنایع دستی رایج در شهرستان نیشابور، صنایع قالی‌بافی و گلیم‌بافی است. صنعت قالی در بیش از ۴۷۰ روستا و صنعت گلیم‌بافی در ۲۷ روستای این شهرستان عمدتاً به صورت کار اصلی و یا به صورت فعالیت جنبی و مکمل در کنار سایر فعالیت‌های اقتصادی رایج انجام می‌گیرد. آمادگی و توانمندی

نمونه به روش کوچران^۱ در جامعه مورد مطالعه انتخاب و با آمار توصیفی و استنباطی مورد آزمون قرار گرفتند. به منظور توصیف و استنباط داده‌های مذکور از نرم‌افزار SPSS18 استفاده شده است. در سطح استنباطی برای آزمون فرض‌ها از کلموگروف اسمیرنوف^۲ و T-Test تک نمونه‌ای استفاده گردید. پرسشنامه از طیف ۵ گزینه لیکرت استفاده و رتبه‌های ۱ تا ۵ به پاسخ‌ها اختصاص داده شده است. امتیاز ۱ نشان‌دهنده کمترین میزان ارزش از سؤال مربوطه و امتیاز ۵ نشان‌دهنده بیشترین ارزش است. بدین ترتیب عدد ۳ به عنوان میانه نظری پاسخ‌ها انتخاب شده است. متغیر مستقل پژوهش میزان اشتغال زنان به صنایع دستی و متغیرهای وابسته مشارکت، درآمد و مهاجرت در نظر گرفته شده است. در این پژوهش به منظور تعیین پایایی آزمون از روش آلفای کرونباخ^۳ استفاده شد. با استفاده از نرم‌افزار آماری SPSS، میزان ضریب اعتماد با روش آلفای کرونباخ محاسبه شد. نتیجه پایایی پرسشنامه‌ها با ۳۰ سوال در مورد کاهش نقش و کارکرد صنایع دستی روستایی با متنوع‌سازی فعالیت‌های اقتصادی، اشتغال‌زایی، افزایش درآمد و سطح فعالیت و مشارکت زنان، ۰/۷۷۶ می‌باشد. این مقدار نشان‌دهنده آن است که پرسشنامه مورد استفاده از قابلیت اعتماد و یا به عبارت دیگر از پایایی خوبی برخوردار است.

نتایج

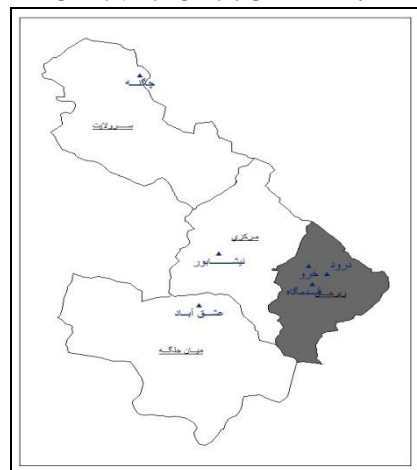
از مجموع ۱۱۱ نفر پاسخ دهنده بیشترین فراوانی با ۴۰/۵ درصد در گروه سنی بین ۲۵ تا ۳۵ سال و کمترین با ۶/۳ درصد در گروه سنی بالای ۴۵ سال قابل مشاهده است. از بعد شاخص تأهل، ۱۳/۵ درصد پاسخ‌دهندگان به پرسشنامه مجرد و ۸۴/۷ درصد پاسخ‌دهندگان متأهل و ۱/۸ درصد پاسخ‌دهندگان وضعیت تأهل خود را بیان نکردند. بعدخانوار ۳۳/۳ درصد پاسخ‌دهندگان

نیشابور در بخش صنعت قالی‌بافی به گونه‌ای است که اقدام به بافتن قالی‌هایی با مترای چند هزار متری و در نوع خود بزرگترین در سطح جهان می‌نماید. از دیگر صنایع دستی موجود در شهرستان نیشابور می‌توان به ۴ کارگاه صنایع سفالگری، ۴ کارگاه صنایع نمدمالی، ۲ کارگاه صنایع پارچه‌بافی، کارگاه صنایع رسیدگی نخ، در یک روستا گیوه‌بافی و در یک روستا حصیربافی اشاره کرد (طاهری، ۱۳۸۰). زنان قالی‌باف در اکثر روستاها و با حمایت کمیته امداد و شرکت فرش به فعالیت مشغول هستند به طور تقریبی ۴۵ کارگاه فعال در نیشابور وجود دارد.

مواد و روش‌ها

جامعه آماری پژوهش ۱۱۱ روستا از دهستان‌های اردوغش، اسحاق آباد، زبرخان می‌باشند. طبق آخرین تقسیمات کشوری شهرستان نیشابور در استان خراسان رضوی واقع شده این شهرستان بعد از شهرستان مشهد به عنوان دومین شهرستان پرجمعیت استان شناخته شده و خود شامل پنج بخش، هفت شهر و ۱۴ دهستان می‌باشد (سالنامه آماری استان خراسان رضوی، ۱۳۹۶).

نقشه ۱. موقعیت بخش زبرخان در شهرستان نیشابور



مأخذ: معاونت آمار و اطلاعات استانداری خراسان رضوی، ۱۳۹۶

۱۱۱ نمونه تصادفی از زنان شاغل به صنایع دستی که حجم

1 - Cochran

2 - Kolmogorov- Smirnov Test

3 - Cronbachs alpha Test

تحصیلات خود را بیان نکردند.

روستای محل سکونت ۲۷ درصد پاسخ‌دهندگان قره داش، ۲۰/۷ درصد یوسف‌آباد، ۱۳/۵ درصد دولت‌آباد، ۱۵/۳ درصد اسحاق‌آباد، ۹ درصد محسن‌آباد و محل سکونت ۱۴/۴ درصد اردوغش می‌باشد.

۲ تا ۴ نفره، ۳۳/۳ درصد ۴ تا ۶، ۹ درصد ۶ تا ۸ نفره، ۰/۹ درصد پاسخ‌دهندگان بالای ۸ نفر می‌باشند و ۲۳/۴ درصد پاسخ‌دهندگان تعداد اعضای خانواده خود را بیان نکردند. تحصیلات ۲/۱ درصد پاسخ‌دهندگان زیر دیپلم، ۳۲/۷ درصد دیپلم، ۲۵/۱ درصد پاسخ‌دهندگان فوق دیپلم و ۳۳/۳ درصد پاسخ‌دهندگان لیسانس و بالاتر و ۶/۷ درصد پاسخ‌دهندگان

جدول ۱. تعداد و درصد پاسخ‌دهندگان به تفکیک روستا

محل سکونت	فراوانی	درصد فراوانی	فراوانی تجمعی
قره داش	۳۰	۲۷/۰	۲۷/۰
یوسف‌آباد	۲۳	۲۰/۷	۴۷/۷
دولت‌آباد	۱۵	۱۳/۵	۶۱/۳
اسحاق‌آباد	۱۷	۱۵/۳	۷۶/۶
محسن‌آباد	۱۰	۹/۰	۸۵/۶
اردوغش	۱۶	۱۴/۴	۱۰۰/۰
مجموع	۱۱۱	۱۰۰/۰	

ماخذ: یافته‌های پژوهش، ۱۳۹۶

اسمیرنوف یک روش ناپارامتری ساده‌ای برای تعیین همگونی اطلاعات تجربی با توزیع‌های آماری منتخب است، بنابراین آزمون کولموگروف اسمیرنوف که از این به بعد آن را با K-S نشان می‌دهیم، روشی برای تشخیص نرمال بودن توزیع فراوانی مشاهدات جمع‌آوری شده است.

نتایج

در ابتدا برای نرمال بودن متغیرها آزمون کولموگروف اسمیرنوف مورد بررسی قرار می‌گیرد.

با توجه به جدول ۲، از آزمون K-S چنین نتیجه می‌شود که چون مقدار سطح معنی‌داری برای متغیرها بیشتر از سطح آزمون یعنی $\alpha=0/05$ می‌باشد، بنابراین این متغیرها دارای توزیع نرمال می‌باشند.

به نظر می‌رسد کاهش نقش صنایع‌دستی سبب مهاجرت زنان روستایی بخش زبرخان شهرستان نیشابور شده است. با توجه به نرمال بودن متغیرها برای بررسی این فرض از آزمون

۹۴/۶ درصد پاسخ‌دهندگان به پرسشنامه به صنایع‌دستی اشتغال دارند. نوع صنایع‌دستی مورد اشتغال ۶۷/۶ درصد پاسخ‌دهندگان قالی‌بافی، ۰/۹ درصد پاسخ‌دهندگان قالی‌بافی و خیاطی و ۰/۹ درصد پاسخ‌دهندگان قالی‌بافی و گلدوزی می‌باشد. ۳۰/۶ درصد نیز به این سوال پاسخ نداده‌اند. نوع کارگاه صنایع‌دستی ۳۶ درصد پاسخ‌دهندگان به پرسشنامه قالی‌بافی می‌باشد و ۶۴ درصد به این سوال پاسخ نداده‌اند. سال تاسیس کارگاه صنایع‌دستی ۱/۸ درصد پاسخ‌دهندگان سال ۷۴، ۰/۹ درصد سال ۷۸، ۳/۶ درصد سال ۸۰، ۴/۵ درصد سال ۸۳ و ۱/۸ درصد سال ۸۷ می‌باشد و ۸۷/۴ درصد به این سوال پاسخ ندادند.

برای محاسبه آماره آزمون مناسب آگاهی از توزیع داده‌ها از اولویت اساسی برخوردار است. در پژوهش حاضر برای بررسی فرض نرمال بودن متغیرهای پژوهش از آزمون معتبر کولموگروف-اسمیرنوف استفاده شده است. آزمون کولموگروف

پارامتری T تک نمونه‌ای استفاده شده است.

جدول ۲. آزمون کلموگروف اسمیرنوف شاخص‌ها

متغیرها	آماره آزمون k-s	P-value
مهاجرت زنان روستایی	۱/۶۳۴	۰/۱۹۴
درآمد زنان روستایی	۱/۱۱۳	۰/۱۶۸
مشارکت زنان روستایی	۱/۰۴۸	۰/۲۲۲

ماخذ: یافته‌های تحقیق، ۱۳۹۶.

همان‌طور که در مبحث روش تحقیق اشاره شد، پرسشنامه از طیف ۵ گزینه لیکرت استفاده شده است. امتیاز ۱ نشان‌دهنده کمترین میزان ارزش و امتیاز ۵ نشان‌دهنده بیشترین ارزش از سوال است. بدین ترتیب عدد ۳ به عنوان میانه نظری پاسخ‌ها انتخاب شده است. با توجه به سؤال‌ها اگر میانگین متغیر مورد نظر از ۳ بیشتر باشد به معنی وجود رابطه بین کاهش نقش صنایع‌دستی روستایی و مهاجرت زنان روستایی می‌باشد و اگر میانگین متغیر مورد نظر کوچکتر مساوی ۳ باشد به معنی عدم وجود رابطه بین کاهش نقش صنایع‌دستی روستایی و مهاجرت روستاییان می‌باشد. نتایج این آزمون در جدول ۳ آمده است.

جدول ۳. نتایج آزمون T-Test

میانگین	آماره t	درجه آزادی	سطح معنی داری	فاصله اطمینان ۹۵ درصد اختلاف	
				کران پایین	کران بالا
۳/۵۹	۱۴/۱۴۴	۱۱۰	۰/۰	۰/۵۹۵۵۰	۰/۵۱۲۱

ماخذ: یافته‌های پژوهش، ۱۳۹۶.

بر اساس آزمون T-Test و نتایج ارائه شده در جدول ۳ مقدار آماره t برابر با ۱۴/۱۴۴ و مقدار سطح معنی‌داری برابر با ۰/۰۰۰ که از ۰/۰۵ کمتر است و با توجه به اینکه میانگین متغیر مورد نظر بیشتر از ۳ می‌باشد، بنابراین با اطمینان ۹۵ درصد می‌توان گفت کاهش نقش صنایع‌دستی روستایی باعث افزایش مهاجرت روستاییان بخش زبرخان شهرستان نیشابور شده است. همچنین به نظر می‌رسد کاهش صنایع‌دستی بخش زبرخان علت کاهش درآمد خانوارهای روستایی است. با توجه به نرمال بودن متغیرها برای بررسی این فرض از آزمون پارامتری T تک نمونه‌ای استفاده می‌کنیم. در این آزمون میانگین متغیر مورد نظر را با عدد ۳ مقایسه می‌کنیم.

جدول ۴. نتایج آزمون T-Test

میانگین	آماره t	درجه آزادی	سطح معنی داری	فاصله اطمینان ۹۵ درصد اختلاف	
				کران پایین	کران بالا
۴/۱۵۲	۳۸/۷۶۵	۱۱۰	۰/۰۰۰	۱/۱۵۳۱۵	۱/۰۹۴۲

ماخذ: یافته‌های پژوهش، ۱۳۹۶.

بر اساس آزمون T-Test و نتایج ارائه شده در جدول ۴، مقدار آماره t برابر با ۳۸/۷۶۵ و مقدار سطح معنی‌داری از ۰/۰۵ کمتر است و با توجه به اینکه میانگین متغیر مورد نظر بیشتر از ۳ می‌باشد، بنابراین با اطمینان ۹۵ درصد می‌توان نتیجه گرفت که

کاهش درآمد روستاییان به علت کاهش صنایع دستی روستایی بخش زبرخان شهرستان نیشابور می باشد.

صنایع دستی روستایی در متنوع سازی فعالیت های اقتصادی و سطح فعالیت تولیدی و مشارکت زنان نقش دارد. با توجه به

نرمال بودن متغیر مورد نظر برای بررسی این فرض نیز از آزمون پارامتری T تک نمونه ای استفاده گردید. در این آزمون میانگین متغیر مورد نظر با عدد ۳ مقایسه شده است.

جدول ۵. نتایج آزمون T-Test

میانگین	آماره t	درجه آزادی	سطح معنی داری	اختلاف میانگین ها	فاصله اطمینان ۹۵ درصد اختلاف
۴/۱۵۲	۳۸/۷۶۵	۱۱۰	۰۰۰/	۱/۱۵۳۱۵	کران پایین ۱/۰۹۴۲ کران بالا ۱/۲۱۲۱

ماخذ: یافته های پژوهش، ۱۳۹۶.

بحث و نتیجه گیری

این تحقیق نشان داد نقش تولیدی زنان در صنایع دستی در جامعه مورد مطالعه عبارت از کمک به توسعه اقتصادی، ایجاد شغل، سرمایه گذاری اندک و بهره وری بالاست. هم چنین مشخص گردید صنایع دستی، دارای خصوصیات چون ارزش افزوده بالا، کارآفرینی گسترده، دسترسی آسان به مواد اولیه ارزان و ابزار تولیدی ساده، ابتدایی و بومی، بی نیازی از تکنولوژی جدید، مواد اولیه و ابزار تولیدی وارداتی و در نتیجه عدم نیاز به ارز است، که در جامعه مورد پژوهش موجب تأمین اشتغال و تعادل بخشی بازار کار، متنوع سازی فعالیت های اقتصادی خانوار و ازدیاد روش های کسب درآمد خانوار و افزایش سطح مشارکت زنان در اقتصاد، جلوگیری از مهاجرت روستاییان به شهرها گردیده است.

با توجه به بالا بودن هزینه اشتغال زنان در بخش های دیگر اقتصاد، توسعه و سرمایه گذاری روی صنایع دستی یکی از راه های کم هزینه و مناسب برای ایجاد اشتغال زنان می باشد. تولید صنایع دستی در جامعه مورد پژوهش متکی به منابع داخلی است و بیش از ۸۰ درصد عوامل تولید در داخل منطقه وجود دارد، لذا هرگونه افزایشی در میزان تولید و فروش این محصولات سبب افزایش تولید خواهد شد.

بر اساس آزمون T-Test و نتایج ارائه شده در جدول ۵ مقدار آماره t برابر با ۳۸/۷۶۵ و مقدار سطح معنی داری برابر با ۰/۰۰۰ که از ۰/۰۵ کمتر است و با توجه به این که میانگین متغیر مورد نظر بیشتر از ۳ می باشد، بنابراین با اطمینان ۹۵ درصد صنایع دستی روستایی در متنوع سازی فعالیت های اقتصادی و سطح فعالیت و مشارکت زنان نقش دارد. این نتیجه با تحقیقات قبلی همسو می باشد هنگامی که نشان داده شد، خوداشتغالی زنان روستایی از طریق گسترش و توسعه صنایع دستی در روستاها می تواند تا حد زیادی نقش زنان را ارتقا داده و شرایط مناسب تری را از لحاظ اجتماعی برای آنان فراهم نماید. اهم تأثیر اشتغال زنان روستایی در زمینه صنایع دستی شامل مواردی چون، افزایش بهره وری در تولیدات بخش کشاورزی و کاهش ضایعات، ارتقاء کیفیت تولیدات صنایع دستی در مناطق روستایی، انتقال ارزش افزوده بیشتر به مناطق روستایی و افزایش درآمد روستاییان، اشتغال بخش عمده ای از نیروهای فعال جامعه روستایی، اشاعه فرهنگ فنی و مهیا کردن زمینه لازم جهت دیگر برنامه های توسعه روستایی از جمله گردشگری می باشد (اکبرقلی^۱، ۲۰۱۹).

در فرآیند مشتری پسند کردن صنایع دستی نباید اصالت فرهنگی این محصولات را فدای به روز شدن کرد. آشنایی زنان هنرمند روستایی با شیوه‌های نوین تولید و تلاش مسئولان ذی‌ربط برای کاهش قیمت تمام شده صنایع دستی، پیش نیازهای اساسی در زمینه افزایش توان رقابتی صنایع دستی نیشابور در مقابل محصولات مشابه خارجی است. باید بین مؤسسات آموزش عالی و تحقیقاتی شهرستان با تولیدکنندگان صنایع دستی ارتباط بیشتری ایجاد شود. بالا بردن اعتبارات مربوط به آموزش و بیمه کردن صنعتگران زن روستایی، سبب رشد و تقویت و مشارکت بیشتر زنان روستایی در تولید می‌شود. صنایع دستی به عنوان صنایع سبز، پاک و دارای ارزش افزوده می‌تواند با حل مساله بیکاری به درآمدزایی در نواحی روستایی کمک کند.

سالنامه آماری استان خراسان رضوی، ۱۳۹۶.
شادی طلب، ژ. ۱۳۷۴. زنان کشاورز ایرانی در برنامه های توسعه، فصلنامه اقتصاد کشاورزی و توسعه، سال سوم، بهار ۱۳۷۴.
شماره ویژه. ص ۲۹-۴۷.

سپهر، ن. ۱۳۸۶. نقش صنایع دستی در تحکیم خانواده، نشریه آموزشی هنرهای سنتی و صنایع دستی گلابتون دوره دوم، ص ۱۴.

طاهری، ع. ۱۳۸۰. درآمدی بر جغرافیا و تاریخ نیشابور، نشر شادیاخ، ۱۶۰ ص.

لهسایی‌زاده، ع. ۱۳۷۴. بررسی جامعه شناختی نقش زن در کشاورزی، فصلنامه اقتصاد کشاورزی و توسعه، ۳(۱۱): ۴۳-۶۵

غفاریان، ب. ۱۳۸۴. صنایع دستی ایران پیوند هنر با روح و عشق انسان، ماهنامه گشت و گذار، سال اول. ص ۲۲.

نادری، م. ۱۳۹۱. نقش و جایگاه صنایع دستی در توسعه اقتصادی، برگرفته از وبلاگ مجتبی نادری.

نتایج تحقیق نشان می‌دهد که نقش این فعالیت تولیدی زنان روستا کم‌رنگ شده است که باید توجه بیشتر به این بخش معطوف گردد و با رفع موانع و مشکلات بیان شده می‌تواند سبب رشد و توسعه مجدد فعالیت‌های اقتصادی و مشارکت زنان روستایی به ویژه در بخش زبرخان شهرستان نیشابور گردد. در این راستا پیشنهاد می‌گردد: استفاده از دنیای مجازی در جهت بازاریابی، تبلیغات و معرفی صنایع دستی سبب ارتقای سطح درآمدی صنعتگران زن خواهد شد. با افزایش اطلاعات عمومی نسبت به صنایع دستی بخش زبرخان فروش این محصولات افزایش خواهد یافت. می‌توان با کاربردی کردن دانش زنان هنرمند روستایی و آشنایی آن‌ها با صنایع دستی کشورهای دیگر از طریق شرکت آنان در نمایشگاه‌های بین‌المللی، صنایع دستی استان خراسان رضوی به ویژه قالی نیشابور را به‌روز کنیم. البته

منابع

ازکیا، م. و دربان استانه، ع. ۱۳۸۳. مفاهیم و مبانی ساماندهی صنایع در نواحی روستایی، انتشارات سازمان شهرداری‌ها و دهیاری‌های کشور. چاپ اول. ص ۳۲.

اکبراقلی، ف. و نوری، م. ۱۳۹۷. تحلیل فرآیند تولید محصول زعفران در نواحی روستایی با رویکرد جنسیتی (مطالعه موردی: شهرستان‌های تربت‌جام و باخرز)، مجله پژوهش و برنامه‌ریزی روستایی، ۸(۱): ۹۵-۱۱۰.

بررسی وضعیت موجود زنان روستایی ایران، ۱۳۹۰، انتشارات دفتر تحقیقات و برنامه‌ریزی معاونت ترویج و مشارکت مردمی جهاد سازندگی. جلد ۲، قابل دستیابی در hawzah.net، آخرین دسترسی: ۱۳۹۷/۵/۳.

تقوایی، م. و شفیعی، پ. ۱۳۸۰. صنایع روستایی و جایگاه آن در توسعه روستایی و اقتصاد کشور، نشریه علمی و فنی سازمان جغرافیایی، ۱۰(۴۰): ۳۹-۴۴.

رادمرد، س. ۱۳۸۱. برنامه‌های فائو و زنان روستایی، مجله جهاد، فروردین و اردیبهشت ۱۳۸۱. شماره ۲۴۸ و ۲۴۹. ص ۷۲-۷۵.

Davis, M. 2004, Urban Involution and the Informal Proletariat, Planet of Slums , New Left Review, 26:5-34

Gruber, D. 2005. Living and Working in Slums of Mumbai, Internet-Fassung, April, Otto-von-Guericke-Universität Magdeburg.

یاوری، ح. ۱۳۹۰. شناخت صنایع دستی ایران، ناشر مهکامه.

Akbaroghli, f. and Nouri, M. 2019, The Gender Analysis of the Safferon Production Process in Rural Areas (Case Study: TOrbat-e- Jam and Bakherz Counties), Journal of Research and Rural Planning, : 8(1): 24.95-110.

Investigation of reduction of the productive role of rural women (Case study: Neishabour Counties)

Farahnaz Akbaroghli^{*1}

Submitted: 12 February 2019

Accepted: 10 June 2019

Abstract

Women have an undeniable role in the various activities of rural communities. In fact, women have been active in all activities of rural areas, but their productive role has reduced in recent decades. In some rural areas of Iran including the statistical population of this study i.e. the villages of Zaborkhan district of Neishabour city these is a reduction of women's productive activities, especially in handicrafts. Therefore, the present study aims to investigate the reasons behind reduced level of activity and participation of women in the production of handicrafts in the villages of the suburban section of Neishabour. Accordingly, 111 women employed in handicrafts were selected as samples and analyzed by descriptive and inferential statistics. At the inferential level, a Kolmogorov-Smirnov test and single-sample T-test were used to test the assumptions. Moreover, Cronbach's alpha method was used to determine the reliability of the test. A single-sample parametric T test showed that rural handicrafts play a role in diversifying economic activities, the level of productive activity and participation of women. Moreover, it was shown that reducing the role of these industries in the studied area has reduced the income of rural households that has resulted in their migration. To counteract the decline in the role of handicrafts in the region, rural women's familiarity with modern production methods, application of women's knowledge of rural artists, and increasing the budget for training and insurance of female rural artisans will boost greater participation of rural women in production activities.

Keywords: Female villagers, Decreasing the productive role, Neishabour Counties

1-Assistant Professor of Geography and Rural Planning, Payam Noor university, Tehran, Iran
(*-Corresponding author Email: akbaroghli.f@pnurazavi.ac.ir)
DOI: 10.22048/rdsj.2019.171764.1781